

ارتباط بین توسعه اقتصادی، نیروی انسانی و سرمایه مطالعه موردی ایران

مهتاب ناصر صدرآبادی^۱

مهسا محمد زاده بازرگان^۲

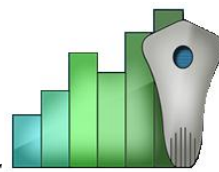
چکیده

اهمیت مسائل اقتصادی با توجه به شرایط کشورمان چه از بعد داخلی و چه از بعد بین المللی بیش از پیش احساس می شود. بنابراین به نظر می رسد جهت گیری تمام برنامه های کلان کشور بایستی به سمت رفع مشکلات اقتصادی کشور و ارائه الگوی مطلوب در این زمینه از سوی مسئولان ذیربط باشد. از منظر سیاست گذاران کلان کشور، رشد اقتصادی به معنای مشارکت مردم در اقتصاد است، به عبارت دیگر همگرایی نیروهای تاثیر گذار بر اقتصاد. شکاف های اجتماعی نتیجه نادیده گرفتن مسائل اجتماعی در راستای رشد و توسعه اقتصادی صرف می باشد. از عوامل تاثیرگذار بر توسعه اقتصادی، میتوان انسان و سرمایه را برشمرد. شایان ذکر است تمام آحاد مردم می توانند با عزم ملی و کمک از برنامه ریزی تدوین شده بر اساس منابع انسانی و مالی موجود به توسعه اقتصادی دست یابند.

کلید واژه ها: توسعه اقتصادی - نیروی انسانی - سرمایه - ایران

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات سمنان (نویسنده مسئول) Mahtab_naser4000@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات سمنان



۱- مقدمه

هر فرد با کوشش در راه به دست آوردن بیشترین منافع برای خود، چنان عمل می کند که گوئی دستی نا مرئی او را به تعقیب مسیری که منجر به منافع در کل جامعه می شود هدایت می کند {آدام اسمیت}. هر جامعه ای باید بتواند چهار وظیفه اقتصادی ذیل را انجام دهد:

تخصیص منابع، تولید، توزیع و فراهم نمودن امکان رشد { فرگوسن، نظریه اقتصاد خرد} توسعه یک کشور محصول تحولاتی است که در داخل آن کشور اتفاق می افتد که در این راستا برای اینکه سیر تحولات هر چه سریعتر منتج به نیل به مقصود گردد می بایست از عوامل در داخل کشور بهره جست، به خوبی روشن است که دستیابی هر کشور به رشد و توسعه نتیجه همکاری افراد و اقشار مختلف جامعه می باشد همانطور که می دانیم توسعه اقتصادی عاملی برای دیده شدن در سطح جهانی و بین المللی است.

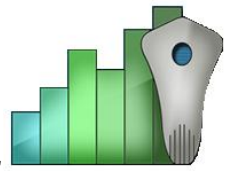
۲- بیان مسئله

از زمانی که بحث سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی مطرح شده، تصور غالب، تاکید بر نقش مثبت سرمایه اجتماعی بوده است. سرمایه اجتماعی انواع مختلفی دارد و ضمن اینکه تاثیر مثبتی بر روند توسعه دارد اما گاهی اوقات ممکن است برای توسعه مفید و مناسب نباشد. مدت هاست که اندیشمندان علوم اجتماعی در مورد ماهیت، کیفیت و چگونگی دستیابی به توسعه میاندیشند و به بحث و گفت و گو در این باره مشغول هستند. جامعه شناسان، اقتصاد دانان، سیاست مداران و برنامه ریزان ملی و نهاد های بین المللی مهم ترین افرادی هستند که دغدغه توسعه دارند و همچنان با شور و شوق و تلاش، بدنبال حلقه یا حلقه های مفقوده ای هستند که گره از کار فرو بسته کشورهای توسعه نیافته بگشاید. پژوهش های گسترده و پرهزینه ای که در این زمینه به انجام رسیده است، نتوانسته خرسندی و رضایت فعالان نظری و عملی این عرصه را فراهم کند و با اطمینان باید گفت حکایت توسعه همچنان باقی است. واقعیت آن است که در دهه های اخیر، تصور رایج و مورد قبول این بوده است که سرمایه اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش مثبتی در فرایند توسعه به طور عام و توسعه اقتصادی به طور خاص، ایفا میکند. سرمایه اجتماعی، به عنوان حلقه مفقوده و در مورد محاسن آن استدلالهای فراوانی مطرح شد.

۲-۱- مروری بر مهمترین مفاهیم و اصطلاحات

۲-۱-۱- توسعه

عده ای بر این باور هستند که توسعه اقتصادی چیزی جز رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحول کیفی نیست. توسعه را در معنای عام آن این گونه تعریف میکند: توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهاد های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به صورت بنیادی متحول میشوند تا با ظرفیت های شناخته شده جدید هماهنگ شوند و طی این فرایند، سطح رفاه جامعه ارتقاء می یابند. وی همچنین توسعه اقتصادی را فرایندی میداند که طی آن مبانی علمی و فنی تولید، از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول میگردند (عظیمی، ۱۳۷۳).



توسعه اقتصادی را نباید به رشد اقتصادی تقلیل داد و علاوه بر رشد، باید به عوامل دیگری چون کیفیت زندگی، امید به زندگی، افزایش بهره‌وری، برابری اقتصادی و اجتماعی، کاهش فقر، بهبود نگرش‌ها و عوامل و تکنیک‌های پیشرفته تولید، با توجه به حفظ محیط زیست نیز توجه داشت.

در تعریف توسعه اقتصادی بر مفهوم بلند مدت تاکید میشود. همچنین افزایش پایدار و مستمر درآمد واقعی مدنظر است. استمرار توسعه، از شروع آن اهمیت بیشتری دارد.

از طرفی سایر اندیشمندان توسعه از منظر گسترش آزادی‌های راستین بشر و با انتقاد از تعاریفی که توسعه را مترادف با رشد تولید ملی، افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت‌های فناوری یا مدرنیزه شدن میدانند، بر توسعه به مثابه آزادی تاکید کرده، تسهیلات آموزشی و بهداشتی، حقوق سیاسی و مدنی و مشارکت در گفت و گو‌ها و آرای عمومی را به عنوان اجزای مهم آزادی بر می‌شمارند. عقیده بر این است که ثروتمند شدن، به معنی خوشبخت شدن و داشتن زندگی مطلوب نیست، بلکه علاوه بر ثروت باید امکانات دیگری نیز داشت تا به خوشبختی رسید (سن، ۱۳۸۳).

از نظر آمار تیاسن نقش آزادی در توسعه از دو جنبه قابل تامل و دارای اهمیت است:

الف) آزادی به مثابه معیار و هدف ممتاز توسعه

ب) آزادی به مثابه موتور و ابزار توسعه

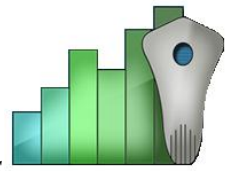
۲-۱-۲- سرمایه انسانی

منظور از سرمایه انسانی عبارت از دانش، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها، تجارب و نهایتاً نظم و انضباطی است که از طریق آموزش و تعلیم و تربیت به افراد منتقل میشود. سرمایه انسانی بیان‌گر اعداد و ارقام دانش آموزان یا دانشگاهیان نیست، بلکه سرمایه انسانی نشان‌دهنده درجه توانایی علمی، فنی، حرفه‌ای و فکری یک کشور است (ستاری فر، ۱۳۷۴).

بر اساس نظریه سرمایه انسانی، آموزش فرد بایستی به مثابه سرمایه‌گذاری تلقی شود و ضمن اینکه این نوع از سرمایه‌گذاری، منافع اجتماعی بسیاری دارد، فرض بنیادی در این زمینه این است که انسان مهم‌ترین عامل در بین عوامل موثر بر فرآیند تولید است (معدن دار آرانی، ۱۳۸۸).

بسیاری از نظریه پردازان اولیه رشد و توسعه اقتصادی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بر این باور بودند که سرمایه فیزیکی یا انباشت اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه دارد و موتور حرکت توسعه را انباشت سرمایه مادی می‌دانستند. در این دوران مفاهیمی چون رشد اقتصادی، درآمد سرانه و ملی و... از شاخص‌های اصلی توسعه به شمار می‌آمدند و این باور وجود داشت که افزایش و رشد هر کدام میتواند توسعه اقتصادی را به همراه آورد.

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان در زمینه توسعه نیروی انسانی، باز هم فرایند توسعه با مشکلاتی همراه بوده است. بدین ترتیب درمباحث، نظریات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه نوع دیگری از سرمایه مطرح می‌شود. برخی از اقتصاد دانان و جامعه‌شناسان توسعه، اکنون برای تبیین علل توسعه نیافتگی کشورهای مختلف، به فقدان سرمایه اجتماعی در آن جوامع اشاره می‌کنند و آن را حلقه مفقوده می‌دانند. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند) به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و



همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می دهد (پاتنام، ۱۳۸۴).

سرمایه اجتماعی به شیوه های گوناگون و از راههای مختلف بر توسعه اقتصادی تاثیر گذار است. این تاثیرات میتواند هم مثبت و هم منفی، هم مستقیم و هم غیر مستقیم باشد. تبیین ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پیچیدگی های خاص خود را دارد. گاهی این ارتباط مستقیم و گاهی غیر مستقیم است. سرمایه اجتماعی از طریق کاهش هزینه مبادلات، غلبه بر مسئله سواری مجانی، تاثیر بر سرمایه انسانی، تسهیل در امر بازار یابی و قانون گرائی، کاهش جرم و انحرافات اجتماعی و ... در خدمت توسعه اقتصادی قرار می گیرد. همچنین از طریق سرمایه گذاری و میزان پس انداز، صرفه جوئی و پرهیز از اسراف، رعایت اخلاق و وجدان کاری، افزایش معاملات و میزان پول در گردش، بالا رفتن سطح تولید، رشد اقتصادی و توسعه انسانی و ... بر روند توسعه موثر است.

مفهوم دیگری از توسعه به لحاظ معرفت شناسانه مفهومی مدرنیستی است و تا حد بسیار از منطق درونی واحد برخوردار است. متغیرهای فرهنگی توسعه به شش شاخص مختلف تقسیم می شوند که عبارتند از:

۱- توسعه انسانی

۲- اجماع نظری در سطح کلان

۳- تساهل قومیتی

۴- ناسیونالیسم توسعه

۵- فمینیسم توسعه

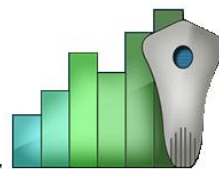
۶- پولاریزه شدن سطوح مختلف جامعه

۳- مبانی نظری توسعه یافتگی اقتصاد ایران

امروزه شاخص توسعه نیروی انسانی در توسعه اقتصادی نقشی کلیدی دارد. با خاتمه جنگ جهانی دوم و شکل گیری نظم عمومی در جهان (در کنار استقلال یافتن بسیاری از کشورهای مستعمره)، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقب مانده به خوبی نمایان شد و کشورهای مختلف جهان را با این پرسش اساسی مواجه ساخت که چرا برخی از مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق و برخی دیگر در رفاه کامل به سر می برند؟ از همین دوران بود که اندیشه ها و نظریه های توسعه شکل گرفت.

به طور کلی مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپائی مطرح گردید. فشار بوجود آمده از صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی توأم بود، که این امر باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف مذکور عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرند:

کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه. در سال ۱۹۹۰ با معرفی مفهوم توسعه نیروی انسانی در نخستین گزارش موسسه توسعه انسانی، تفاوت بنیادینی در راه توسعه مشاهده شد (Johan, ۲۰۰۱). توسعه انسانی را تأکید بر افزایش قدرت انتخاب مردم با کمک بالا بردن استعدادهایشان بیان کرد. این توسعه از طرف مردم خواسته می شود، برای



مردم ایجاد می شود و توسط آنها اجرا می شود. توسعه ای که توسط مردم اجرا می شود به معنای این است که مردم باید قادر باشند بر روندی که زندگی شان را تحت تاثیر قرار می دهد موثر واقع شوند.

شاخص توسعه نیروی انسانی یکی از مهمترین مقیاس های مورد بحث و اثر گذار بر توسعه اقتصادی است و به منظور تسهیل عملیات مقایسه ای بلند مدت و تفاوت حد اقل و حداکثر های توسعه ای بر حسب سه مولفه تحصیل، درآمد و طول عمر بین کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. توجه و تمرکز این شاخص بر رهایی از فقر است. این شاخص به عنوان سندی معتبر و به عنوان راهی برای رتبه بندی کیفیت زندگی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد. اثر این رتبه بندی بر روی سیاست کشورها بسیار قابل توجه است، زیرا بسیاری از کشورها به دلیل اهمیتی که انتشار این آمار در بین کشورهای مختلف داشته سعی در بهبود موقعیت خود کرده اند. امروزه مفهوم توسعه اقتصادی در میان ملل از اهمیت خاصی برخوردار است و هر اقتصادی سعی در انتخاب متغیرهایی دارد که به طور موثری بر روند توسعه اقتصادی تاثیر بگذارند، ضمن اینکه نظریه های توسعه همواره متغیرهای متفاوت، جدید و موثر بر حرکت اقتصاد به سمت توسعه اقتصادی را انتخاب می نمایند. در این راستا تاثیر جمعیت بر توسعه اقتصادی، که سالها در محافل علمی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، منجر شد تا اقتصاد دانان به تفاوت جنسیتی جمعیت و اثر آن بر توسعه اقتصادی بپردازند این که آیا نقش مردان و زنان دارای آثار یکسانی بر توسعه است یا خیر از موضوعاتی است که اخیرا مورد توجه اقتصاد دانان توسعه قرار گرفته است.

۳-۱- شاخص های توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیتهای فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی حاصل خواهد شد اما در کنار آن، علاوه بر تحول در نهاد های اجتماعی، نگرش ها تغییر خواهد کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش می یابد و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به علاوه می توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده ها نیز در فرآیند تولید تغییر می کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد، مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده ای کیفی است و هیچ محدودیتی ندارد.

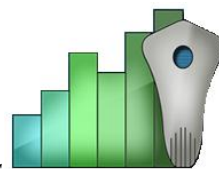
توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول افزایش ثروت و رفاه جامعه (وریشه کنی فقر) و دوم ایجاد اشتغال، که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. توسعه اقتصادی در هر جامعه ای به کمک شاخص های مختلفی اندازه گیری میشود. از جمله شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی را می توان به صورت زیر بر شمرد:

الف) شاخص درآمد سرانه

تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن. این شاخص ساده و قابل ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولا با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می شود.

ب) شاخص برابری قدرت خرید

از آن جا که شاخص درآمد سرانه با استفاده از قیمت های داخلی کشورها محاسبه می گردد و معمولا سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده میگردد. در این



روش، مقدار تولید کالاهاى مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می گردد.

پ) شاخص درآمد پایدار

کوشش برای غلبه بر نارسائی های شاخص درآمد سرانه و توجه به توسعه پایدار به جای توسعه اقتصادی منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه های زیست محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می گردد نیز در حساب های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه به دست می آید.

ت) شاخص های ترکیبی توسعه

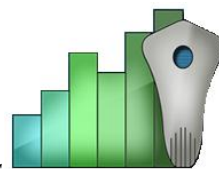
از اوایل دهه ۱۹۸۰ برخی از اقتصاد دانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص های ترکیبی را پیشنهاد کردند. به عنوان مثال درآمد سرانه واقعی (بر اساس شاخص قدرت برابری خرید) و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ با سوادى بزرگسالان و میانگین سالهای مدرسه رفتن افراد است).

۳-۲- مکاتب مختلف اقتصادی

از قرن هجدهم و با رشد سریع صنایع در غرب، اولین اندیشه های اقتصادی ظهور نمود. این اندیشه ها، در پی تئوریزه کردن رشد در حال ظهور، علل و عوامل، راهکارهای هدایت و راهبری و بررسی پیامدهای آن بود. اما با توجه به آثار تفاوت در جنسیت و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی از نظریه های جدیدی است که همراه با مطرح شدن مسائل انسانی در توسعه اقتصادی مورد توجه خاص قرار گرفته اند.

از طرفی عده ای دیگر درآمد را به عنوان معیاری برای اندازه گیری توسعه یافتگی استفاده کرده اند، ولی درآمد سرانه به تنهایی برای محاسبه اثراتی بر روی زندگی و شانس زنده ماندن به خصوص جنسیت‌های مختلف دارد، کافی نیست (سن، ۱۹۹۸). وی در مطالعه ای به این نتیجه رسید که وضعیت زنان در یک کشور با دنبال کردن یک رشته ضوابط قابل درک است:

- ۱- تقسیم کار منزل در بین زن و مرد
- ۲- مقررات مربوط به به حمایت از تحصیل زنان
- ۳- زمینه های اساسی برای دسترسی به بهداشت زنان
- ۴- فراهم بودن تقویت تغذیه برای زنان
- ۵- فراهم بودن شرایط برای تحصیلات ابتدائی و تناسب زنان در گرفتن فرصتهای تحصیل بالاتر، ترویج تحصیل در میان زنان و سهم زنان در موسسات آموزش عالی
- ۶- استقلال حقوق زنان
- ۷- سهم حقوق زنان
- ۸- مشارکت سیاسی زنان



۳-۳- محاسبه شاخص توسعه نیروی انسانی

۱- محاسبه شاخص امید به زندگی

در این محاسبه امید به زندگی مقادیر حداقل و حداکثر امید به زندگی افراد در طول دوران گذشته و مقدار واقعی در سال مورد نظر انتخاب و بعد در فرمول مربوطه قرار داده می شود.

۲- محاسبه شاخص تحصیل

برای محاسبه شاخص تحصیل باید شاخص های مربوط به نرخ باسوادی نوجوانان و نرخ نام نویسی در سه مقطع تحصیلی مورد محاسبه قرار گیرد، سپس با توجه به وزن های داده شده به هر یک، از ترکیب این دو می توان شاخص تحصیل را محاسبه کرد.

۳- شاخص GDP

۴- محاسبه شاخص توسعه نیروی انسانی

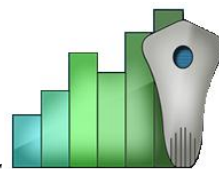
متوسط ساده سه شاخص محاسبه شده فوق، شاخص توسعه نیروی انسانی را به دست می دهد.

با نگاهی گذرا به روند افزایش جمعیت جهان متوجه می شویم که بیشترین سهم رشد جمعیت جهان متعلق به کشورهای کمتر توسعه یافته است. در حقیقت می توان گفت که بین توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع و میزان باروری آنان یک رابطه معکوس وجود دارد.

به بیان دیگر با بالا رفتن میزان توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها میزان باروری و رشد جمعیت پائین تر می آید. این امر مربوط به یک دهه خاص نیست بلکه در پیشینی های جمعیتی نیز این رابطه برقرار است. داده های سازمان ملل متحد مربوط به جمعیت جهان و روند رشد آن بیانگر این واقعیت است که اولاً میزان باروری در جهان رو به کاهش دارد. ثانیاً تفاوت رشد باروری کل در بین کشورها بر اساس توسعه یافتگی آنها مشهود است.

آمار و ارقام ارائه شده بیانگر این واقعیت است که در سالهای اخیر رشد جمعیت در تمامی مناطق شهری و روستایی پیشرفته یا در پیشرفت کاهش محسوسی داشته است. قسمتی از این تغییرات جمعیتی میتواند با توجه به نظریه نوگرایی و تحولات اجتماعی و فرهنگی که اتفاق افتاده است تبیین کرد. پیشرفت و توسعه و رشد تکنولوژی بر زندگی مردم حتی در زمینه های ارزشی و عاطفی تاثیر گذاشته و این امر بصورت عاملی در جهت کاهش میزان باروری عمل کرده است. به بیان دیگر تغییر نگرش اجتماعی و فرهنگی نسبت به تحصیل زنان و منزلت اجتماعی آنان باعث شده که زنان سالهای بیشتری را صرف تحصیل کرده و سن ازدواج را عقب برانند و در نتیجه این امر موجب کاهش قابل ملاحظه سطح باروری شده است. از سوی دیگر اشتغال زنان در خارج از خانه و رشد قابل توجه شهرنشینی و اجبار افراد در زندگی در آپارتمانهای کم مساحت تاثیر منفی در میزان زاد و ولد خانواده ها گذاشته است.

اگر در جوامع غربی و یا در مناطقی از جهان شاهد کاهش میزان باروری هستیم به خاطر اینست که فرزندان خانواده ها از موقعیت تولید کننده به عناصر مصرف کننده تبدیل شده اند و خانواده ها ترجیح که شمار مصرف کننده را کاهش دهند. با گسترش بیمه های اجتماعی و اعطای حقوق بازنشستگی به قشرهای محروم جامعه و برنامه های تنظیم خانواده با موفقیت قرین خواهد بود.



سرمایه اجتماعی در سالهای اخیر یکی از مهمترین متغیرهای تبیین کننده سطح توسعه و رفاه جوامع و توسعه محلی در سطوح گوناگون بوده و مورد توجه خاص سیاستگذاران و برنامه ریزان بوده است. سرمایه اجتماعی یعنی بحث آموزش و بهداشت و زیر ساختهای مالکیتی و چگونگی ایجاد انگیزه خلق کارآفرینی. در این مقاله رابطه مثبت میان سرمایه اجتماعی و توسعه یافتگی مورد تأیید قرار گرفت با این وجود برخی تفاوتها در انواع سرمایه اجتماعی در مناطق قابل توجه بود. برای نمونه میزان سرمایه اجتماعی اتصالی یا برون گروهی در مناطق توسعه یافته تر نسبت به مناطق کمتر توسعه یافته بیشتر بود.

عدالت اساسی ترین مفهوم در حقوق انسانی است. عدالت یکی از مفاهیم زندگی بشری است بطوریکه میتوان گفت عدالت ایجاد رابطه ای خاص میان اهداف عالی انسانی و نوع زندگی انسانها مثل رفاه. معرفت بهره برداری از مواهب جامعه چون ثروت و منزلت است. متفکرانی مثل هابز عدالت را جزئی از قانون طبیعی میدانند وی میگوید: عدالت وقتی بر آدمیان اطلاق میشود معنی آن هماهنگی و انطباق یا عدم انطباق شیوه عمل ایشان با عقل است.

به نظر بسیاری از صاحب نظران همانند اسپینوزا و بخصوص متفکران اسلامی نظیر مطهری عدالت جزئی از عدالت کلی حاکم بر ارکان هستی است.

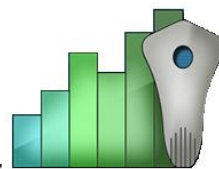
نظام فلسفی جان رالز در مورد عدالت اجتماعی بیش از دیگر نظامات فلسفی میتواند شرایط تحقق عدالت را توضیح دهد. سیاستهای مربوط به جامعه رفاهی و جامعه ریسکی بیشتر میتواند تضمین کننده رشد و رفاه اجتماعی در ایران باشد تا دنباله روی از سیاست سنتی دولت رفاه اروپا در ایران.

از سه راهبرد: تقدم رشد اقتصادی بر باز توزیع درآمد و تقدم باز توزیع درآمد بر رشد اقتصادی و رشد اقتصادی توأم با باز توزیع درآمد. راهبرد سوم میتواند در شرایط ایران با توجه به تقاضاهای اجتماعی مردم ایران مناسب تر باشد و عدالت رالزی و جامعه رفاهی و جامعه ریسکی را بهتر توضیح میدهد.

از یک دید عدالت اقتصادی بخشی از عدالت توزیعی است. عدالت توزیعی یعنی عدالت اجتماعی به معنای برابری در توزیع امکانات و منابع جامعه است. منابع و امکانات جامعه را میتوان به چهار گروه اصلی قدرت، ثروت، منزلت، دانش و معرفت تقسیم کرد. مراد از برابری نابرابرها و نابرابری نابرابرها در استحقاق است. یعنی دولت منابع را میان شهروندان خود بر حسب استحقاق و شایستگی تقسیم میکند.

از لحاظ منطقی برابری اقتصادی در سه سطح برابری فرصتها و برابری کارکردی و برابری نهایی مطرح میشود. دو سطح اول و سوم به باز توزیع مربوط میشوند و سطح دوم به توزیع.

توسعه اقتصادی عادلانه مهمترین هدف نظام اقتصادی اسلام است. زیرا به همراه این توسعه بی نیازی تمام احاد جامعه اسلامی امکانپذیر میشود. این نوع از توسعه اقتصادی رشد پایداری است که عادلانه باشد. شاخص های جانشین رشد پایدار در اقتصاد توسعه کارایی اقتصاد کلان با اشتغال کامل منابع و کارایی اقتصاد خرد با استفاده بهینه از منابع تولید و حفظ محیط زیست و تولید کالاهای قانونی و مفید هستند که دقیقاً همان مسئولیت عدالت در حفظ و گسترش ثروت است که خداوند بر عهده انسانها و جامعه گذاشته است.



در بحث نابرابری به بررسی رابطه توسعه اقتصادی با هر یک از ابعاد نابرابری موضعی یعنی تراکم ثروت مادی، تراکم قدرت، تراکم منزلت و تراکم سرمایه فرهنگی میپردازد. او میگوید با توسعه اقتصادی و افزایش تولید و رای نیاز عموم، مازاد اقتصادی در وهله اول جذب مواضع راهبردی در جامعه میشود. بدنبال توسعه اقتصادی بویژه بعد از انقلاب صنعتی و بسط تقسیم کار اجتماعی و تخصصی شدن تعداد مواضع و تعدد سازمانها و کنشگران جمعی نیز افزایش میابد (چلبی، ۱۳۷۵).

در ادامه می افزاید که با ورود به مرحله صنعتی شدن و ظهور رژیم های صنعتی دو تحول چشمگیر صورت میگیرد: یکی گسترش فزاینده آموزش رسمی و دیگری ظهور تقسیم کار کارگاهی در سطح خرد. در واقع تقسیم کار کارگاهی دستاورد نظام سرمایه داری است... با گسترش تقسیم کار جامعه ای، تعداد سازمانها و کنشگران جمعی افزایش می یابند و این خود ایجاب میکند که از تراکم ثروت کاسته شود و توزیع آن در جامعه پراکنده شود (چلبی، ۱۳۷۵)

در ارتباط با سطح توسعه سیاسی و وزن تاثیر آن روی نابرابری اجتماعی میتوان به دو عامل اصلی توجه نمود: یکی میزان استقلال قدرت سیاسی نسبت به سایر منابع است و دیگری میزان تراکم در تمرکز قدرت (یا بعبارت دیگر میزان نابرابری در توزیع قدرت سیاسی)

عامل اول ناظر به میزان خرده نظام سیاسی بر سایر خرده نظام اجتماعی است. در این ارتباط چلبی اظهار میدارد که وجود قدرت در جامعه خود مظهر نوعی نابرابری است و با سایر نابرابری های اجتماعی نیز رابطه دارد. میتوان بصورت فرضی اینچنین تصور نمود که در صورتیکه حقوق سیاسی و منابع قدرت سیاسی بصورت کاملا برابر در جامعه توزیع شود در اینصورت ممکن است صحبت از نوعی به اصطلاح مردم سالاری مطلق نمود که چنین چیزی عملا وجود ندارد. در قطب مقابل میتوان بطور فرضی تصور نمود که حقوق و منابع سیاسی فقط و فقط در دست یک نفر متمرکز شده باشد در اینصورت میتوان صحبت از به اصطلاح خودسالاری مطلق نمود که چنین چیزی تقریبا وجود خارجی ندارد. آنچه بصورت واقعی قابل تصور است میزان تراکم قدرت است که بین دو قطب فوق از جامعه ای به جامعه دیگر قابل تغییر است.

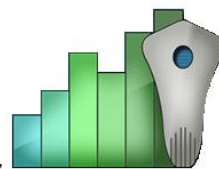
یکی از فرضیه های این تحقیق اینست که توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی مکمل یکدیگرند. در این مورد بعضی از متخصصان علوم اجتماعی تا جایی پیش میروند که توسعه سیاسی را پیش نیاز توسعه اقتصادی میدانند. (امارتیاسن، ۱۳۸۱) از جمله اقتصاددانانی است که در نتیجه گیری از بحث خود پیرامون رابطه مردم سالاری و توسعه اقتصادی میگوید: پیشبرد و تقویت سیستم مردم سالاری یکی از اجزای اساسی فرایند توسعه است.

در نتیجه توسعه سیاسی بویژه دموکراتیزه شدن باعث افزایش استقلال نسبی حوزه اقتصادی میشود تا جایی که این حوزه میتواند بر مبنای منطق درونی خود (بهینه سازی) عمل کند. این خود میتواند سهمی در رونق اقتصادی داشته باشد.

چهار نتیجه کلی را میتوان به شرح زیر مطرح نمود:

۱- در بلندمدت توسعه سیاسی بویژه مردم سالاری و توسعه اقتصادی پایدار دو فرایند همزیگری هستند که لازم و ملزوم یکدیگرند بطوریکه هر یک به نوبه خود دیگری را تقویت می کند.

۲- هر دو فرایند توسعه سیاسی و اقتصادی میتوانند به مدد یکدیگر فیاد اداری و سیاسی را در حد قابل قبولی مهار کنند.



۳- هر دو فرایند در بلندمدت قادرند سهمی جداگانه در کاهش نسبی انواع نابرابری های اجتماعی داشته باشند.

۴- نظام جهانی حائز نوعی قشربندی است. کشورهای محدودی که از موقعیت برتر در این نظام برخوردارند می توانند در مناسبات خود با سایر کشورها به لحاظ اقتصادی از این موقعیت برتر کم و بیش سود جویند. حداقل میتوان گفت کشورهایی که در موقعیت فرودست قرار دارند در روابط کم و بیش نامتقارن خود از این مزایا محرومند و در پاره ای موارد با مضایق اعمال شده نیز مواجهند.

از آنجا که یکی از پیامدهای سیاستهای تعدیل اقتصادی تغییر شاخص های فقر و نابرابری توزیع درآمد میباشد اطلاع از چگونگی این تغییرات میتواند در اتخاذ سیاست های مناسب مفید باشد.

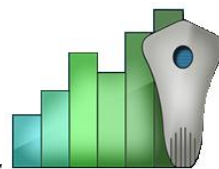
نتایج حاکی از آنست که سیاست کاهش ارزش پول ملی بیشترین و سیاست افزایش مخارج دولت کمترین تاثیر را بر گسترش فقر و نابرابری دارد. تاخیر در اجرای سیاستهای تعدیل باعث افزایش کمتر نابرابری درآمد میگردد و سیاستهای جاری دولت تاثیر کمتری بر افزایش نابرابری درآمد دارد. شاخص نسبت افراد فقیر و شکاف درآمدی نشان میدهد که تاخیر در اجرای سیاستهای تعدیل به رغم بهبود در نابرابری توزیع درآمد فقر را گسترش میدهد.

برنامه های تعدیل پس از بروز عدم تعادل های داخلی و خارجی که اغلب نتیجه سیاستهای اقتصادی نامناسب است اتخاذ میگردد. این برنامه ها گذشته از اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی در چارچوب هدفهای کلی رفع عدم تعادل داخلی و خارجی و ایجاد زمینه های لازم برای رشد اقتصادی در کوتاه مدت و میان مدت توزیع درآمد و فقر را تحت تاثیر قرار می دهند.

اثرات توزیعی سیاستهای تعدیل به سه دلیل مهم می باشند:

اول عوامل داخلی که موجب کسری ترازپرداختها و تورم میگردند نظیر افزایش مخارج دولت با موضوعات توزیعی ارتباط دارند. دوم عوامل خارجی مانند تضعیف رابطه مبادله که موجب کسری ترازپرداختها میشود طبقاتی مانند واردکنندگان کالا و خدمات که از وضعیت موجود سود میبرند متاثر میسازد. لذا این گروه در ارایه سیاستهای مناسب ایجاد مانع کنند و با حداقل موجب تاخیر در معرفی سیاستهای مناسب شوند. سوم تخصیص مجدد منابع بین بخشها مجموع هزینه های اولیه و ثانویه تعدیل. توزیع درآمد بویژه در بین گروه های کم درآمد تحت تاثیر قرار میدهد.

برنامه های تعدیل با توجه به تاثیر چشمگیرشان بر تخصیص منابع تولید بین بخشها و گروه های اقتصادی توزیع درآمد و وضعیت زندگی خانوارها را تحت تاثیر قرار میدهند. سیاستهای تعدیل در کشورهایی منجر به بهبود تولید و صادرات شده نقش اساسی در کاهش فقر داشته اند. در حالیکه کشورهایی که ساختار تولید آنها به کالاهای وارداتی وابسته است و صادرات آنها عمدتاً اولیه میباشد اثر اشکاری بر فقر و توزیع درآمد نگذاشته است. در حالت کلی میتوان گفت اقداماتی مانند کاهش ارزش پول ملی، حذف کنترل قیمتها، کاهش یارانه پرداختی به غذا و سایر کالاها که موجب افزایش قیمت کالاها و خدمات مصرفی میشوند هزینه زندگی فقر را افزایش میدهند. در نهایت میتوان گفت آثار سیاستهای تعدیل بر فقر و توزیع درآمد به شرایط اولیه کشورها بستگی دارد. اقتصادهایی که از ساختار نسبتاً انعطاف پذیری برخوردارند سیاست تعدیل در مقابل افزایش قیمت ها انگیزه لازم برای سرمایه گذاری و اشتغال و تولید را فراهم می آورند و آثار افزایش هزینه زندگی گروه کم درآمد را با ایجاد اشتغال و بهبود درآمدها جبران می کنند. در کشورهایی که ساختار تولید آنها از انعطاف



پذیری لازم برخوردار نیست اجرای سیاستهای تعدیل بیشتر بر سطح قیمتها اثر میگذارد تا بر سطح تولید و اشتغال. آثار سیاستها بر فقر کاملاً به نوع و زمان اجرا و سرعت سیاست و شرایط اقتصادی هر کشور بستگی دارد.

وضعیت حمایت از بخش کشاورزی در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و بعضی از کشورهای در حال توسعه مطلوب نیست. همچنین عملکرد مربوط به اعطای اعتبارات یا جذب آنها بسیار پائینتر از مقادیر مصوب است. جبران این کاستی ها و افزایش سرمایه گذاری و حمایتها و اعتبارات عمرانی و تحقیقاتی تنها در صورت ایجاد روند توسعه ای و حذف فعالیتهای نامولد و توجه به توسعه روستایی نتیجه بخش خواهد بود.

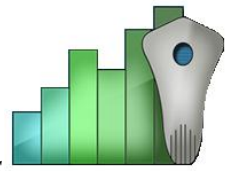
در راهبردهای توسعه ای با استناد به نظریه های رشد متعادل و نامتعادل چون اشتاین-رودن و نورکس و لوئیس بر بخشهای صنعت و کشاورزی تاکید میشود. نظریه رشد متوازن بر رشد متوازن بخشهای صادرات و واردات. سرمایه گذاری های مولد. عوامل جنبی مثبت عمودی و افقی. بخشهای تولید کننده کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و مصرفی از یک طرف و توازن عرضه و تقاضا از طرف دیگر تاکید داشته و در مجموع معطوف به این نکته هستند که دوره های فقر و مدار توسعه نیافتگی بر عوامل مرتبط و تعامل های بین بخشی بعنوان عامل پویایی اقتصاد تاکید دارند. نظریه رشد متوازن در عین اشاره به اهمیت بخش کشاورزی تاکید بر رشد متوازن و همراه و همزمان صنعت و کشاورزی دارد.

بنابراین در مورد تعیین جایگاه بخش کشاورزی در فرایند توسعه کشورها میتوان به این نتیجه رسید که بخش کشاورزی منبع خوبی برای توسعه صنعتی است و انعکاس توسعه صنعتی در بخشهای روستایی میتواند به جریان پویایی از تعامل پیش برنده میان دو بخش کشاورزی و صنعتی شود.

با بررسی جایگاه بخش کشاورزی در مراحل مختلف توسعه یافتگی اقتصاد در هر کشور مشخص شد که اولاً بخش کشاورزی به لحاظ اهمیتی که در امنیت غذایی و استقلال سیاسی کشور دارد به هیچ وجه نباید مورد بی توجهی قرار گیرد. ثانیاً برای تحقق اهداف رشد و توسعه کشور باید بستر توسعه ملی را طراحی و ایجاد کرد و با تاکید بر توسعه روستایی جایگاه بخش کشاورزی را در بستر مذکور مشخص نمود. ایجاد چنین بستر توسعه ای نه به معنای تاکید بیشتر بر بخش کشاورزی است و نه به معنای تخصیص منابع محدود به امور نامحدود. بلکه به معنای ایجاد یک تعامل پویا و توسعه ای میان بخشهای مولد اقتصادی برای تضمین و تداوم رشد و توسعه اقتصاد کشور است.

تاریخ طرح شدن مفهوم توسعه، شاید به قدمت تاریخ بشری باشد اما توسعه به مفهوم علمی بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و با مرور زمان مفهوم آن تکامل یافته است. از دهه ۱۹۷۰ به بعد ابعاد توسعه از اقتصاد فراتر رفته و از دهه ۱۹۹۰ با مطرح شدن توسعه انسانی در ادبیات جهانی مفهومی جدید یافته است. این مفهوم متعالی را همگان خواهان هستند اما در کشوری توسعه تحقق میابد که مردم آن جامعه باورها و رفتارهای خود را متحول کنند و اقتصاد خود را پیوسته گسترش دهند و فقر را ریشه کن کنند و نابرابری را کاهش دهند.

مفاهیمی دیگر از توسعه: توسعه از مفاهیمی است که در تعریف آن توافقی نیست. با این وجود معنی آن از زمان پیدا شدن علم اقتصاد توسعه هر روز وسیعتر میشود. برای ارائه معنی عینی تری از آن مناسب است که از تعاریف مختلف ارائه شده توسط صاحب نظران به چند تعریف اشاره نمود:



ارتور لوئیس (1954-Lewis) که برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد است میگوید: توسعه عبارت است از گسترش تدریجی بخش مدرن و کاهش تدریجی بخش سنتی از دید لوئیس مفاهیم پیشرفته و صنعتی و شهری و همینطور مفاهیم سنتی و کشاورزی و روستایی با هم مترادف هستند. عبارت دیگر بخشهای مدرن مبتنی بر علم هستند و توسعه به معنی آنست که بخش مدرن به تدریج گسترش یابد. تودارو میگوید: توسعه فرایندی متضمن تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی و گرایشهای عمومی و نهادهای ملی و تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و از بین بردن فقر است. سیرز معتقد است که اگر یک یا دو عامل از سه عامل اساسی (فقر، بیکاری، نابرابری) بدتر شود مخصوصا اگر هر سه بدتر شود حتی اگر درآمد سرانه دو برابر شود تلقی کردن نتیجه بعنوان توسعه عجیب خواهد بود. دکتر عظیمی میگوید: توسعه فرایندی است که جامعه را از یک دوران تاریخی به دوران تاریخی دیگر میبرد. میتوان توسعه را درونی کردن و بومی کردن انقلاب صنعتی هم دانست.

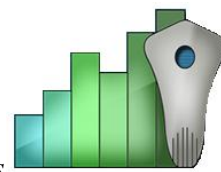
۳-۴- اهداف توسعه

- ۱: فراهم شدن شرایط اقتصادی تعالی انسانها
- ۲: امکان دسترسی بیشتر به کالاهای تداوم بخش زندگی مانند غذا مسکن بهداشت امنیت و توزیع گسترده اینگونه کالاها با کیفیت عالی و قیمت مناسب
- ۳: افزایش آزادی و پذیرش برابری انسانها. گسترش عدالت در جامعه. ارتقا ارزشهای انسانی و فرهنگی و ایجاد هویت ملی مستقل و مقتدر. افزایش اعتماد به نفس و غرور ملی در سایه دسترسی به تکنولوژی های برتر و ارتقا کشور در نظم جهانی و تاثیرگذاری بیشتر در عرصه بین المللی.
- ۴: استقلال ملی به این مفهوم که سایر کشورها در تصمیم گیری ملی نتوانند نفوذ و تاثیر عمده داشته باشند. چرا اقتصاد ایران توسعه نیافته است؟

ایران علی رغم برخورداری از منابع طبیعی نسبتا سرشار کشوری توسعه نیافته است. دلایل متعدد داخلی و خارجی در توسعه نیافتگی اقتصاد ایران دخالت است. مداخله بیگانگان در عرصه زندگی اقتصادی سیاسی ایران از اوایل قرن ۱۹ آغاز شد و با کشف نفت در قرن ۲۰ شدت یافت. به لحاظ ناتوانی شاهان در اداره کشور و مداخله بیگانگان باعث شد که اقتصاد سنتی نسبتا قوی کشور به یک اقتصاد مبتنی بر نفت تبدیل شود. وابستگی روزافزون اقتصاد ایران به نفت ضمن تسهیل صنعتی شدن محدود از طریق کاربرد تکنیکهای سرمایه بر رشد اقتصادی بلندمدت را بهمراه نداشته است. در عوض وابستگی اقتصاد ایران به نفت روحیه ضد توسعه ای و تمایل به فعالیتهای راحت طلبانه ایجاد کرد و تمایلات نوآوری را تضعیف.

۴- روش تحقیق

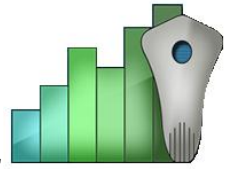
روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی و کتابخانه ای می باشد.



۵- بحث و نتیجه گیری

برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در جامعه، به انسانهای اقتصادی- تکنولوژی دارای بینشهای اجتماعی- فرهنگی نیازی باشد. زیربهره و ریههای اقتصادی زمینه ساز رشد و ایجاد رفاهیت در جامعه می گردد. در حالی که در کنار آن، بینش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انسانها نیز مطرح می باشد. همراه با رشد اقتصادی و کسب رفاه لازم برای جامعه، باید در پی رشد اجتماعی- فرهنگی و سیاسی انسانها نیز بود.

رشد و توسعه از چند جنبه قابل بررسی می باشد. یک جامعه برای رسیدن به توسعه میبایست از تمامی امکانات که در سایه آنها میتوان به زندگی ادامه داد، برخوردار باشد. هدف از توسعه تسلط بر دردهای انسانی است از جمله بیماری، فقر و رسیدن به رفاه، از طرفی رشد و توسعه محصول برنامه ای مدون، مدیریتی سالم و هوشمند، در کنار تلاش و عزمی همگانی قابل حصول می باشد، منظور از همگان تمامی مردم تشکیل دهنده یک ملت اعم از مسئولان، نخبگان، بازاریان، کارگران، خرد و کلان، پیر و جوان و... می باشد زیرا یک ملت همگی سوار بر یک کشتی هستند و برای سهل و آسان به مقصد رسیدن، اتحاد، محوریت کار می باشد زیرا تکروی حاصلی جز تباهی نخواهد داشت. توسعه در سایه تلاش آحاد مردم حاصل میشود. افراط و تفریط در هر مورد چه جنسیت و چه سایر عوامل مالی و تئوریک در زمینه نیل به توسعه نتیجه ای جز حرمان نخواهد داشت. بنابر این در این جا توصیه میگردد به فکر تربیت نسل امروز به گونه ای باشیم که با حس مسئولیتی خود جوش در زمان مناسب، ناخدای کشتی توسعه کشور در بهترین مسیر ممکن باشند.



منابع

- ۱- آیت اللهی، محمد جواد و صدری، کار آفرینی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران،
- ۲- وحید قاسمی - مهدی ادیبی سده - کریم آردبایجان ی - خالد توکلی - فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی
- ۳- علل توسعه اقتصادی در آسیای جنوب شرقی - احمد نقیب زاده، سلمان صادقی زاده
- ۴- بررسی اثرات تفاوت های جنسیتی در سطح توسعه یافتگی اقتصاد ایران - دکتر عبدالمجید جلائی - استاد یار دانشکده شهید باهنر - مینا صباغ پور - کارشناس ارشد اقتصاد ۵-
- ۵- فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی - سال ۵م - ش ۲۱، رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی اجتماعی، محمد تقی ضیایی بیگدلی - صمد کلانتری - محمد باقر عزیززاده اقدام
- ۶- فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی - سال ششم - ش ۲۳، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی، سید احمد فیروز ابادی - حسین ایمانی جاجرمی
- ۷- راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی - فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی - سال ششم - ش ۲۴، محمد حسین شریف زادگان
- ۸- بنیادهای توسعه اقتصادی عادلانه در اسلام - فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی - سال ۷م - ش ۲۵ - بهار ۱۳۸۶ - ناصر جهانیان
- ۹- توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی - مسعود چلبی - حسین اکبری
- ۱۰- اثر سیاستهای تعدیل بر فقر و توزیع درآمد - مجله تحقیقات اقتصادی - بهار و تابستان ۸۰ - ش ۵۸، سهیلا پروین - راضیه زیدی
- ۱۱- اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال ۱۲م - ش ۴۸ - زمستان ۸۳ - عباس شاکری
- ۱۲- کتاب توسعه اقتصادی ایران - دکتر محمد باقر بهشتی - انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۸۳ - کتاب نظریه ها و قانونمندی های توسعه - دکتر خلیل سعیدی - شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر - ۱۳۸۶